بررسی و نقد حمل تعبیر «غیر انهم اجمعوا» بر مماشات با اهل تسنن

شاگرد: روی کلمه «غیر» باید تأمل کرد. شیخ فرمودند «نزل بحرف واحد علی نبی واحد غیر انهم اجمعوا»، ایشان چه فهمی داشتند که نفرمودند «بانهم اجمعوا». شاید اگر واو بود با مباحثی که شما میخواهید بفرمایید خیلی ملائم بود.

استاد: بله، درست است. فرمایش درستی است. مکرر ذهن من مشغول کلمه غیر شده است. الآن هم که کلمه غیر را گفتند یادم افتاد که در چندین جلسه قبل حدیث خصال را خواندیم؛ «ان الاحادیث تختلف عنکم، قال علیه‌السلام ان القرآن نزل علی سبعة احرف و ادنی ما للامام». من «فادنی ما للامام» خواندم. آن آقا تذکر دادند و دیدیم که در نسخه «و ادنی» بود. دیروز دیدم در جواهر همین آمده «فاولی ما للامام». یعنی همین حدیث را در جواهر آورده‌اند و «فاولی» شده. این جور شده. گفتم شاید در ذهن من از جایی مانده باشد که فاء را دیده بودم، اما ایشان میگویند «فاولی ما للامام».

شاگرد: اینها خیلی زیاد است که آقایان روایات را از حفظ مینویسند.

استاد: بله، درست است.

شاگرد۲: ظاهر «غیر» این است که از حرف واحد بد برداشت نکنید.

استاد: همین را عرض میکنم. ولی در ذهن من از اول همین برداشت ایشان بوده. لذا من دو-سه سال قبل یک صفحه بلند بالا نوشتم و تایپ شد و گذاشتید. در آن جا گفتم مرحوم شیخ و مرحوم طبرسی از دو چیز قطعی اخبار کرده‌اند و از یک چیزی تحلیل کرده‌اند. نوشته این بود: اخبارشان این بود که معروف است روایاتشان این است و اجماع عملی آنها این است. بعد هم تحلیلشان این بود: «غیر انهم...». یعنی تحلیلشان این بود که خلاصه مماشات کرده‌اند. اجماع عملی شیعه اجماع مماشاتی است. نه اجماع ثبوتی کاشف از تعدد واقعی. این برگه را که نوشتم به‌خاطر همین بود. فلذا مطالب را توضیح دادم. اگر خواستید مراجعه کنید. در یادداشت‌های فدکیه هست.

شاگرد: این «غیر» سه-چهار احتمال دارد.

استاد: خب ببینید آن وقتی که آن به ذهنم آمد، ذهنیت شیخ این جور که با این قرائن منفصله و متصله پدید آمد در ذهنم نبود. اگر یادتان باشد روزی ده بار در مباحثه تکرار میکردم. مباحثه کمکم جلو میرفت. میگفتم چون کار این مجاهد زمینه سال دویست را از بین برده بود، مرحوم شیخ در ذهنشان نبود. این را هزار بار تکرار میکردم. ما روی آن مبانء ذهن شیخ را تحلیل میکردیم. الآن بعد از قرائن عدیده میبینیم که این جور نبوده و ما اشتباه میکردیم. یعنی این «غیر انهم» که ایشان میگویند با ذهنیت آن سال‌های ما خیلی خوب است. اما «غیر»ی که شما میگویید با ذهنیت بعد از اینها مناسب است. یعنی هیچ مانعی ندارد که اگر ذهنیت شیخ را با قرائن عدیده

کشف کردیم، بگوییم این «غیر» چیز دیگری میخواهد بگوید. نه آن «غیر»ی که قبلاً ذهن من و شما میگفت. لذا فرمایش خیلی خوبی بود. این «غیر» یعنی حرف واحد واقع مطلب است، «غیر انهم مماشاتا اجمعوا». کما اینکه صاحب حدائق وقتی در اینجا حرف شیخ را فرمودند، صریحاً فرمودند از این روایات معلوم میشود که اجماع شیعه از باب تقیه است. عبارت دیگری را هم آورده بودند؛ شاید من باب التقیة و الخوف بود. صفحه صد بود: «و باالجملة فالنظر في الأخبار و ضم بعضها إلى بعض يعطي جواز القراءة لنا بتلك القراءات رخصة و تقية». کلمه رخصت بود. یعنی به شما اجازه دادهاند و تقیه است. همان چیزی که من عرض کردم اگر هر منصفی در «ملک» و «مالک» فکر کند این را قبول نمیکند. یعنی خود شمای صاحب حدائق در پستوی خانه که تقیه نیست، بهعنوان شیعه «ملک» میخوانید یا «مالک»؟ برای شما واضح است که شعار شیعه این است که «بسم الله» را بلند میگویند. برای شما واضح است که «بسم الله» را بگویید و اگر نگویید نمازتان باطل است. برای شما روشن است. بااینحال «ملک» بخوانیم یا «مالک»؟ هر دو را بخوانیم! خب در خانه خودتان است و کلام خدا است و میخواهید نماز بخوانید. چرا آشیخ عبد الکریم هر دوی آنها را میخواندند؟ نمیشود بگوییم رخصت و تقیه بین شیعه باشد و تا زمان شما برسد. شمای شیعه ندانید کلامی که ملک وحی آورده در سوره حمدی که باید مرتب بخوانید، «ملک» است یا «مالک». شما محدث هستید و روایات را هم میبینید. مرحوم مجلسی فرمودهاند که اهلبیت هر دو را میخواندند. خب اگر یک جای آن تقیه بود ممکن بود بین شیعه بماند؟! اواشکی به هم میگفتند که در اینجا امام تقیتا خواندهاند. ما شیعه «مالک» میخوانیم یا «ملک» میخوانیم. به فرمایش مرحوم آقای خوئی یک روایت ضعیف و یک سؤال از شیعه نیست که «ملک» بخوانیم یا «مالک»؟ اینها نیاز به سؤال دارد. اما شما میگویید رخصتا و تقیتا؟! تقیه مورد داشت. تقیه در بین شیعه تنها در یک زمانی در بسم الله و مسح پا بود. اما آیا مسح پا تا آخر تقیه ماند؟! اگر غسل پا یک روزی تقیه بود، مسح پا بعداً شعار شیعه شد. اگر یک روزی تقیه میکردند وقنوت را ترک میکردند، یک روز شد شعار شیعه. تقیه اه برطرف شد. وقتی زمان تقیه اه در میشد شیعه بین خودشان میگفتند که این تقیه بود و این نبود. «حی علی خیر العمل» تقیه بود؟!

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 12:54:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 12:03:38 توسط ... .